

شاخص - دفتر نهم

جمهوریت

رکن حیاتی جمهوری اسلامی



تهیه شده در بسیج دانشجویی
دانشگاه صنعتی شریف

جمهوریت

رکن حیاتی جمهوری اسلامی

۳	مقدمه
۳	گفتمان مردم سالاری دینی
۴	• مردم سالاری دینی، یک اندیشه نو
۴	• تعریف مردمسالاری دینی
۵	• مردم سالاری دینی راه سوم بین استبداد و دموکراسی غربی
۶	ساختار جمهوریت
۷	• انتخاب جمهوریت به عنوان ساختار نظام اسلامی
۷	• پیوستگی بین جمهوریت و اسلامیت
۸	• علل انتخاب جمهوریت
۸	○ اول: قابلیت های ارزشی جمهوریت
۸	○ سیره امام در ارتباط با مردم و اهمیت جایگاه ارزشی آن ها
۹	○ دوم: مزایای سیاسی جمهوریت
۱۰	○ سوم: تجربه ی تاریخی تأسیس نظام های دینی و انقلابی در جهان معاصر
۱۰	مصادق جمهوریت: انتخابات
۱۰	• انتخابات: نماد مردم سالاری دینی
۱۱	• اهمیت انتخابات و حضور در آن
۱۱	• کارنامه ی نظام اسلامی در تحقق جمهوریت
۱۲	بررسی تاریخی جریان های مختلف در برخورد با مردم سالاری دینی در نظام اسلامی
۱۲	• سابقه تاریخی جریان روشنفکری در برخورد با رأی مردم
۱۳	• دولت سازندگی و اشرافیت
۱۴	• دولت اصلاحات و انتخابات مجلس هفتم
۱۵	• فتنه سال ۸۸ و پیشنهاد ابطال انتخابات
۱۵	• دولت نهم و دهم و ارتباط با مردم
۱۷	سخن پایانی: جمهوریت فرصت طلایی همیشگی برای نظام

مقدمه

رکن جمهوریت در نظام جمهوری اسلامی همواره از موارد قابل بحث است. بعضی جمهوریت را عنصری تشریفاتی در نظام اسلامی می‌دانند و معتقدند باید به سمتی رفت تا ساز و کارهای جمهوری به تدریج کم‌تر شود. عده‌ای تصور می‌کنند پیرنگ شدن جمهوریت به معنای حذف ولایت فقیه و یا کم‌رنگ شدن آن است. این عده، بعضی پیامدهای جمهوریت، مانند امکان عدم رأی مردم به مطلوب اسلام یا شخص مورد نظر آن‌ها را بزرگ‌نمایی کرده و می‌گویند نباید جمهوریت را بزرگ کرد، البته این افراد همواره به رأی مردم تن داده ولی با نوعی ترس به این مقوله نگاه می‌کنند. عده‌ی دیگری نیز به دلیل ضررهایی که از رأی مردم در موارد مختلف دیده‌اند، همیشه به جمهوریت نظام خیانت کرده و رأی مردم را نادیده گرفته‌اند.

اما امام خمینی و امام خامنه‌ای برای این مقوله اهمیت ویژه‌ای قائلند و تأکیدات آنان بر این مسئله قابل توجه است. در این جزوه سعی شده است تا با تکیه بر بیانات امام خامنه‌ای و استفاده از منابع دیگر، جوانب مختلف مسئله‌ی جمهوریت را تحلیل کنیم تا نگاه درستی به این مسئله پیدا کنیم.

در این جزوه در سه قسمت به بررسی مسئله می‌پردازیم.

ابتدا گفتمان مردم‌سالاری دینی را به عنوان گفتمان پایه‌ی جمهوریت مطرح کرده و با استفاده از بیانات رهبر انقلاب آن را تعریف کرده و در ادامه ابعاد آن را معرفی می‌کنیم.

در قسمت بعد جمهوریت را به عنوان ساختار اجرایی مردم‌سالاری دینی مورد بررسی قرار می‌دهیم. در این قسمت به علل انتخاب جمهوریت نیز می‌پردازیم.

در قسمت سوم انتخابات را به عنوان مصداق جمهوریت در نظام اسلامی معرفی کرده و اهمیت آن را از بیانات رهبر انقلاب گوشزد می‌کنیم. در این قسمت، سابقه‌ی تاریخی جمهوری اسلامی نیز بیان می‌شود.

در قسمت چهارم به سراغ جریان‌های مختلف رفته و به بررسی تطبیقی آن‌ها با معیارهای استخراج شده از بیانات مقام معظم رهبری می‌پردازیم. جریان روشنفکری، دولت‌سازندگی، دولت‌اصلاحات، دولت‌نهم و دهم در مصداق‌هایی مورد بررسی قرار می‌گیرند. همچنین نیم‌نگاه کوچکی به فتنه سال ۸۸ داریم.

گفتمان مردم‌سالاری دینی

می‌توان از گفتمان مردم‌سالاری دینی، به عنوان پایه‌ی ساختار سیاسی جمهوری اسلامی نام برد. پایه‌ای که امام خمینی آن را بنا نهاد. در این قسمت این گفتمان را با استفاده از بیانات رهبر انقلاب بررسی می‌کنیم. ابتدا به تعریف آن می‌پردازیم و در ادامه با نگاه به دموکراسی غربی، سعی می‌کنیم

به پیروزی مردم سالاری دینی در برابر دموکراسی غربی اشاره کنیم.

• مردم سالاری دینی: یک اندیشه نو

مقام معظم رهبری در تبیین پایه‌ی ساختار نظام جمهوری اسلامی، واژه‌ی مردم سالاری دینی را به کار می‌برد. ایشان از مردم سالاری دینی به عنوان یک اندیشه‌ی نو نام می‌برند:

«دست ما پر است. ما فکر درست داریم. جمهوری اسلامی یک اندیشه‌ی سیاسی نوئی به دنیا عرضه کرده است: مردم سالاری دینی. این اندیشه‌ی سیاسی نو، متکی به فلسفه‌ی درست، متکی به زمینه‌های فکری و اعتقادی مستحکم و از لحاظ عملی قابل اجرا و پیشرونده است. این فکر، این راه، این فلسفه و این تجربه‌ای که در طول این سی و دو سال در اختیار ملت ایران است، دست ما را پر کرده است.»^۱

• تعریف مردم سالاری دینی

رهبر انقلاب در تعریف مردم سالاری دینی، دو رکن مردمی بودن و اسلامی بودن را نام برده و معنا می‌کند:

«[نظام جمهوری اسلامی] مردمی است، یعنی مردم در تشکیل این نظام، در بر روی کار آوردن مسئولان این نظام نقش دارند، پس مردم احساس مسئولیت می‌کنند؛ مردم برکنار نیستند. مردمی است، یعنی مسئولان نظام از مردم و نزدیک به مردم باشند، خوی اشرافیگری، خوی جدائی از مردم، خوی بی‌اعتنائی و تحقیر مردم در آنها نباشد. ملت ما قرنهای متمادی خوی اشرافیگری را، استبداد و دیکتاتوری را در حاکمان نایب حق این کشور تجربه کرده و دوران جمهوری اسلامی دیگر نمی‌تواند اینجور باشد. دوران جمهوری اسلامی یعنی دوران حاکمیت آن کسانی که از مردمند، با مردمند، منتخب مردمند، در کنار مردمند، رفتارشان شبیه رفتار مردم است. این، معنای مردمی است. مردمی است، یعنی باید به عقاید مردم، به حیثیت مردم، به هویت مردم، به شخصیت مردم، به کرامت مردم اهمیت گذاشته بشود. اینها مردمی است.»^۲

«اسلامی است، یعنی همه‌ی آنچه که گفتیم، پشتوانه‌ی معنوی پیدا میکند. حکومت‌های دموکراسی سکولار، بیگانه‌ی از دین، جدای از دین، و در مواردی ضد دین، می‌روند کنار. اسلامی است، یعنی مردم در کار دنیایشان هم که کار می‌کنند، تلاش می‌کنند، در واقع دارند کار خدائی می‌کنند. آن کسانی که برای جامعه کار می‌کنند، آن کسانی که برای استحکام نظام کار می‌کنند، آن کسانی که برای پیشبرد کلمه‌ی این نظام و این کشور و اعلا‌ی کلمه‌ی این نظام کار میکنند، برای خدا دارند کار میکنند. خدائی است. این خیلی ارزش دارد، این یک نسخه‌ی جدید است؛ این نسخه‌ی جدیدی است که دنیا این را بعد از زمان پیامبران و بعد از صدر اسلام تا امروز، دیگر ندیده. این، چیز کمی نیست.»^۳

۱. بیانات در دیدار دانش آموزان و دانشجویان ۱۳۹۰/۰۸/۱۱

۲. بیانات در دیدار عمومی مردم جالوس و نوشهر ۱۳۸۸/۰۷/۱۵

۳. همان

• مردم سالاری دینی راه سوم بین استبداد و دموکراسی غربی

مقام معظم رهبری مردم سالاری دینی را راه سومی بین راه استبداد و دیکتاتوری و راه دموکراسی غربی می دانند:

«همه‌ی کسانی که بدخواه نظام جمهوری اسلامی هستند، دیدند مردم سالاری دینی یعنی چه. این یک راه سوم است. در مقابل دیکتاتوری‌ها و نظام‌های مستبد از یک طرف، و دموکراسی‌های دور از معنویت و دین از یک طرف دیگر، این مردم سالاری دینی است؛ این است که دل‌های مردم را مجذوب می‌کند و آنها را به وسط صحنه می‌کشاند.»^۴

ایشان سپس دموکراسی غربی را مسئله‌ای صوری بیان می‌کنند و در نقد دموکراسی غربی می‌فرمایند:

«انتخابات در [نظام جمهوری اسلامی]، احترام به رأی و تشخیص و رضایت مردم هست. من عرض بکنم؛ امروز در دنیای دموکراسی که انتخابات در آنجا انجام می‌گیرد و پرچم دموکراسی را اینها بلند میکنند، آنچه وجود ندارد، «رضی‌العامه» است؛ مسئله، صوری است؛ در واقع غالباً اینجور است. در کشور آمریکا اینجور است، در کشورهای معروف دموکراسی دنیا اینجور است. پشت سر این کسانی که می‌آیند وارد میدان انتخابات می‌شوند و مبارزه‌ی انتخاباتی می‌کنند، گروه‌هایی از جبهه‌ی خاصه وجود دارند؛ یعنی سرمایه‌دارها، کمپانی‌دارها، منتفدین مالی، باندهای عظیم مالی؛ اینها هستند که دارند کارها را روبه‌راه می‌کنند؛ با تبلیغات گمراه‌کننده و با روش‌های گوناگون، آراء مردم را به این سمت و آن سمت می‌کشاند. در واقع، دعوا بین کمپانی‌دارهاست؛ دعوا بین آراء مردم نیست؛ یک چیز تخیلی است. در واقع، حکومت دموکراسی در آنجا حکومت اقلیت است؛ حکومت خواصی است که خواص بودن آنها، نخبه بودن آنها، به خاطر امکانات مالی فراوان آنهاست؛ اینها هستند که دارند سیاست‌گذاری میکنند. در انتخابات نظام جمهوری اسلامی اینجور نیست. اینجا مردمند که دارند تصمیم می‌گیرند، مردمند که دارند تشخیص می‌دهند. ممکن است این تشخیص یک جا درست باشد، یک جا غلط باشد - بحث در این نیست - اما تصمیم گیر، خود مردم هستند. پشت سر آراء مردم، آراء باندهای قدرت و ثروت و اینها قرار ندارد. در این انتخابات، واقعاً احترام به رأی مردم است؛ احترام به تشخیص مردم است. باید در مقابل این تشخیص تسلیم شد. این یک مسئله است.»^۵

رفتار ناعادلانه‌ی غربی‌ها با سایر کشورها نشان از این دارد که آن‌ها دموکراسی را فقط با حرف قبول دارند و در عمل رفتار دیگری با سایر ملت‌ها دارند:

«امروز آمریکا بعد از پانزده ماه که با اشغال نظامی عراق را گرفته است، هنوز به مردم این کشور اجازه نمی‌دهد که بگویند برای حکومت خود چه چیز و چه کسانی را می‌خواهند. نماینده‌ی سازمان ملل دیروز

۴ خطبه‌های نماز جمعه تهران ۱۳۸۸/۰۳/۲۹

۵ بیانات در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری ۱۳۸۸/۱۲/۶

مصاحبه می‌کند و می‌گوید چون امریکایی‌ها در عراق حضور نظامی دارند، باید رأی حاکم امریکایی در انتخاب عناصر دولت مراعات شود! دموکراسی اینها این است. نام دموکراسی، اغواگری است. دموکراسی حتی در کشورهای خودشان هم، یک مردم‌سالاری حقیقی نیست؛ جلوه فروشی به وسیله‌ی تبلیغات رنگین و پول‌های بی‌حسابی است که در این راه خرج می‌کنند؛ لذا آراء مردم گم است. در مکتب سیاسی امام رأی مردم به معنای واقعی کلمه تأثیر می‌گذارد و تعیین‌کننده است. این، کرامت و ارزشمندی رأی مردم است. از طرف دیگر امام با اتکاء به قدرت رأی مردم معتقد بود که با اراده‌ی پولادین مردم می‌شود در مقابل همه‌ی قدرتهای متجاوز جهانی ایستاد؛ و ایستاد. در مکتب سیاسی امام، مردم‌سالاری از متن دین برخاسته است؛ از «امرهم شوری بینهم» برخاسته است؛ از «هو الذی ایدک بنصره و بالمؤمنین» برخاسته است. ما این را از کسی وام نگرفته‌ایم. عده‌یی می‌خواهند وانمود کنند که نقش مردم در اداره‌ی حکومتها را باید غربی‌ها بیابند به ما یاد بدهند! غربیها خودشان هنوز در خم یک کوچه گرفتارند! همین امریکایی‌ها و همین مدعیان دموکراسی، دیکتاتورهایی از قبیل محمد رضای پهلوی را - که سی‌و پنج سال در این مملکت دیکتاتوری مطلق داشت و قبل از او پدرش حدود بیست‌سال در این کشور دیکتاتوری کرد - در آغوش گرفتند و پشتیبانی کردند و از آنها حمایت کردند. اینها طرفدار دموکراسی‌اند؟! دروغ می‌گویند. هر کس می‌خواهد دموکراسی اینها را ببیند، به عراق برود. برود رفتار آنها را با مردم مظلوم افغانستان ببیند. برود دموکراسی امریکایی را از حمایت بی‌دریغ امریکا از شارون جنایتکار ببیند. دموکراسی آنها این است؛ ما از اینها دموکراسی یاد بگیریم؟! اینها برای انسان نقش و ارزش قائلند؟ شما ببینید امروز در فلسطین چه فجایعی دارد اتفاق می‌افتد. آیا فلسطینی‌ها انسان نیستند؟ آیا صاحب سرزمین خود نیستند؟ آیا حق ندارند رأی و عقیده داشته باشند؟ امروز زشت‌ترین و فجیع‌ترین رفتار در فلسطین و عراق و افغانستان - و قبل از این در بسیاری از مناطق دیگر - دارد صورت می‌گیرد؛ آن وقت همان کسانی که این رفتارهای زشت را انجام می‌دهند، خجالت نمی‌کشند و ادعای دموکراسی می‌کنند! رئیس‌جمهور امریکا وقیحانه ادعا می‌کند که رسالت گسترش دموکراسی در دنیا و خاورمیانه بر دوش او سنگینی می‌کند! دموکراسی آنها را در زندانهای امثال ابوغریب - که در عراق و گوانتانامو کم هم نیستند - مردم دنیا دارند می‌بینند. این، دموکراسی و حقوق بشر آنهاست! بسیار غافلانه است اگر کسی در داخل جوامع ما و در میان امت اسلامی خیال کند که غربی‌ها باید بیابند به ملت‌های ما دموکراسی و مردم‌سالاری یاد بدهند!»^۶

ساختار جمهوریت: رکن نظام اسلامی

پس از تبیین پایه‌ی ساختار نظام اسلامی، یعنی مردم‌سالاری دینی، به بررسی جمهوریت به عنوان رکن ساختار نظام جمهوری اسلامی می‌پردازیم. جمهوریت در کنار اسلامیت قرار دارد و از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این قسمت علاوه بر معرفی و بیان پیوستگی جمهوریت با اسلامیت، علل

۶. بیانات در مراسم هفدهمین سالگرد ارتحال حضرت امام خمینی (ره) ۱۳۸۵/۰۳/۱۴

انتخاب جمهوری را مورد بررسی قرار می دهیم.

• انتخاب جمهوری به عنوان ساختار نظام اسلامی

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) جمهوری اسلامی را به عنوان ساختار نظام اسلامی انتخاب کردند. امام جمهوری را یک رکن اساسی برای نظام اسلامی می دانستند. مقام معظم رهبری در این باره می فرمایند:

« جمهوری اسلامی دو جزء دارد: جمهوری است، یعنی مردمی است؛ اسلامی است، یعنی بر پایه‌ی ارزشهای الهی و شریعت الهی است. مردمی است، یعنی مردم در تشکیل این نظام، در بر روی کار آوردن مسئولان این نظام نقش دارند، پس مردم احساس مسئولیت می کنند؛ مردم برکنار نیستند.»^۷

اهمیت جمهوری و رأی مردم برای امام تا حدی است که در جایی فرموده اند:

«ما تابع آرای ملت هستیم، ملت ما هر طوری رأی داد ما هم از آن تبعیت می کنیم، ما حق نداریم، خدای تبارک و تعالی به ما حق نداده است، پیغمبر اسلام به ما حق نداده است که به ملتمان یک چیزی را تحمیل بکنیم.»^۸

• پیوستگی بین جمهوری و اسلامیت

ایشان در پاسخ به این مسئله که بعضی جمهوریت و اسلامیت را با هم در تناقض می بینند، بیان می کنند:

« بستر مردم‌سالاری اسلامی و حضور مردم را انقلاب به ما داد. ما باید روی این زمینه تکیه کنیم. البته از طرف کسانی سعی شده که بین جمهوری نظام و اسلامیت، رقابتی به وجود بیاورند. یک‌جا بعضی‌ها بگویند روی اسلامیت تکیه شد، جمهوری تضعیف شد؛ یک عده هم بگویند روی جمهوری تکیه شد، اسلامیت تضعیف شد. این طوری نیست. در کشور ما جمهوری از اسلامیت جدا نیست. این مردم، مؤمن و عمیقاً پایبند به مبانی دینی هستند. همیشه در انتخابات‌های ما این نشان داده می‌شود. در سال ۷۶ هم همین‌طور بود؛ سال ۸۰ هم همین‌طور بود؛ امسال هم که ۱۳۸۴ است، همین‌طور است. در انتخابات، مردم در حقیقت به پایه‌های اعتقادی خودشان و به آنچه بر آن پایه‌ها مبتنی است، رأی می‌دهند. مردم عقاید خود را دوست می‌دارند و به این عقاید و مبانی پایبند هستند؛ و همین مبانی هم ما را پیش می‌برد. لذا جمهوری - یعنی مردم‌سالاری به معنای واقعی کلمه - در این کشور همواره با اعتقاد به اسلام و حرکت در جهت اسلام همراه است و ان‌شاءالله بستر جریان مردم‌سالاری و پیشرفت و رشد این حالت و نهادینه شدن روحیات ناشی از مردم‌سالاری اسلامی روز به روز در کشور گسترش پیدا خواهد کرد.»^۹

۷ بیانات در دیدار عمومی مردم چالوس و نوشهر ۱۳۸۸/۰۷/۱۵

۸ صحیفه ی نور، جلد ۱۰، ص ۱۸۱

۹ بیانات در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت ۱۳۸۴/۰۵/۱۰

• علل انتخاب جمهوریت

در این قسمت به واکاوی بیش تر مسئله ی جمهوری پرداخته و با نگاهی تاریخی - تحلیلی به دنبال استخراج علت انتخاب جمهوریت برای ساختار نظام اسلامی هستیم:

در سه جهت می توان علت انتخاب جمهوریت برای ساختار نظام جمهوری اسلامی را توضیح داد:

اول: قابلیت های ارزشی جمهوریت

از جمله مهم ترین ویژگی های اسلام انقلابی، مردمی بودن آن است. از نگاه امام خمینی، اسلام، یک دین عمیقاً مردمی، فراگیر و همه شمول است و نه اشرافی، نخبگانی و محصور شده در زاویه های معنوی یا متکی به قدرت های خودسر و بی انعطاف. اصلاً در حکومت اسلامی مردم هدف و اصل اند و «ولی» باید خودش را فدای هدایت و رشد و اعتلای توحیدی آحاد مردم کند، چرا که هدف دین رشد آحاد مردم است. تمام ائمه ما خودشان را فدای هدایت مردم کردند.^{۱۰}

سیره امام در ارتباط با مردم و جایگاه ارزشی آن ها

در ارتباط با مسئله ی مردمی بودن انقلاب اسلامی، باید نگاهی دقیق تر به سیره ی امام در ارتباط با مردم بیندازیم.

در چند عرصه امام بر عنصر مردم تکیه می کند. یکی عرصه بهره برداری از فکر و قدرت مردم در اداره ی کشور است. عرصه ی دیگر را می توان لزوم آگاه سازی مستمر مردم دانست. اگر مردم بخواهند جمهوری اسلامی را حفظ کنند باید مواظب باشند که نمایندگان مجلس و رئیس جمهور و امثال این ها از حیث قدرت طلبی و جاه طلبی انحراف پیدا نکنند.

امام بعد از پیروزی انقلاب و بعد از به دست آوردن قدرت هم باز در ادامه ی انقلاب روی مردم تکیه می کند. ادبیات مردمی ایشان ادبیاتی است که همه مردم می فهمند. ایشان حقیقتاً به شجاعت و باور مردم ایمان داشتند و برای رأی جمع کردن یا فریب دادن صحبت نمی کردند.

در واقع امام یک مربی است. نگاه علوم انسانی غربی به انسان طوری است که به او صفات حیوانی را نسبت می دهند، در حالی که انسان فقط ابعاد حیوانی ندارد؛ بلکه دارای ابعاد مهم و بزرگی است. امام، انسان را با فطرتشان نگاه می کند. امام معتقد است که انسان ها فطرت الهی دارند. امام معتقد است که فطرت های بیدار، وجود دارند و باید آن ها را بیدار کرد. غرب می خواهد از جهات شهوانی، غریزی و مادی انسان ها استفاده کند. اما امام می گوید انسان ها فطری هستند. اعتماد به مردم یعنی این که باید باور کرد که فطرت است که پیروز است.^{۱۱}

مقام معظم رهبری درباره ی کرامت انسان و نقش حقیقی مردم در حکومت می فرماید:

۱۰ چرا امام گفت جمهوری اسلامی، وحید جلیلی، جزوه مطالعاتی قرارگاه شهید باقری

۱۱ سیره امام و رهبری، سید علی موسوی، جزوه ی حوزه دانشجویی شریف

« در مکتب سیاسی امام، هویت انسانی، هم ارزشمند و دارای کرامت است، هم قدرتمند و کارساز است. نتیجه‌ی ارزشمندی و کرامت داشتن این است که در اداره‌ی سرنوشت بشر و یک جامعه، آراء مردم باید نقش اساسی ایفا کند. لذا مردم‌سالاری در مکتب سیاسی امام بزرگوار ما - که از متن اسلام گرفته شده است - مردم‌سالاری حقیقی است؛ مثل مردم‌سالاری امریکایی و امثال آن، شعار و فریب و اغواگری ذهنهای مردم نیست. مردم با رأی خود، با اراده‌ی خود، با خواست خود و با ایمان خود راه را انتخاب می‌کنند؛ مسؤؤلان خود را هم انتخاب می‌کنند. لذا دو ماه از پیروزی انقلاب نگذشته بود که امام اصل نظام برآمده‌ی از انقلاب را به رأی مردم گذاشت. »^{۱۲}

دوم: مزایای سیاسی جمهوریت

یکی از مزایای ساختار جمهوری‌تی این است که امکان جبران اشتباهات در آن وجود دارد. مردم وقتی رأی میدهند، محدود به یک دوره مشخصی است. این رأی مردم ذیل قانون‌ها و ضوابط و همچنین اصول ثابتی است. در واقع هر رأی که در جمهوریت داده میشود، در واقع دو رأی است. یعنی هر رأی یک پیوست دارد، از یک طرف رأیی است به ثوابت آن نظام و از طرف دیگر رأیی است برای ایجاد تغییراتی در دل آن نظام و تعیین متغیرها. یعنی هر رأیی که در صندوق انداخته می‌شود، مثل این است که یک بار دیگر رأی به قانون اساسی در صندوق انداخته شده است.

مهم این است که این ساختار فرو نریزد. یعنی کسی نتواند از ساختار جمهوریت بالا برود و بعد نردبان را ببندد. این جریان باید دائمی باشد. به عنوان مثال آقای بنی صدر با ۱۱ میلیون از ۱۴ میلیون رأی، رئیس جمهور میشود و بسیار محبوبیت دارد. امکان یک تجربه فراهم میشود. در مدت حدود یک سال و نیم همان ساز و کارهای جمهوری‌تی از طریق مجلس فعال میشود و رأی به عدم کفایت او داده میشود. وقتی مردم به کسی رأی می‌دهند و مشاهده می‌کنند که امور آن طور که می‌خواستند سامان نیافته است، در بلند مدت کم کم به یک پختگی میرسند که برای سامان یافتن امور جامعه صرف یک انتخاب، کفایت نمیکند. ممکن است فرد منتخب حتی تا روز آخری که از مسؤولیت خداحافظی می‌کند محبوب باشد، اما امور اجتماعی آن طور که ملت می‌خواسته است، سامان پیدا نکرده باشد. این فرآیند این پیام را منتقل می‌کند که برای رسیدن به یک جامعه ایده آل و برای رفع مشکلات کشور، صرفاً یک یا دو انتخاب کفایت نمیکند، همه باید تلاش کنند که به آن جامعه ایده آل نزدیک تر شویم. بنابراین نگاه واقع بینانه تری در مردم شکل می‌گیرد.

نکته‌ی بسیار مهم دیگر این است که «جمهوریت» حق شریک شدن در تصمیمات است که اتفاقاً بار «ولی» را سبک می‌کند. چون «ولی» نمی‌تواند حکومت را فقط با طاق خودش پیش ببرد. جمهوریت یعنی مردم خودتان تصمیم بگیرید و خودتان هم پای تبعاتش بایستید. «ولی» هم اصل «انتخاب»

را محافظت می کند که مردم اگر اشتباه کردند، بتوانند جبران کنند و اگر درست انتخاب کردند، راه را ادامه دهند.

سوم: تجربه ی تاریخی تأسیس نظام های دینی و انقلابی در جهان معاصر

اگر به تحولات اجتماعی و سیاسی کشورهای مختلف در طول ۱۰۰ الی ۱۵۰ سال گذشته نگاهی بیندازیم، می بینیم در کشورهای اسلامی نهضت های دینی بوده اند که مبتنی بر رهبری دینی به پیروزی رسیدند.

در قرن نوزده میلادی و در سال ۱۸۵۹ در سودان «نهضت متمدین» به رهبری مهدی سودانی، موفق به شکست انگلستان می شود و حکومت دینی در سودان تشکیل می دهد. ولی بعد از گذشت چند سال، انگلیسی ها دوباره برمی گردند. در لیبی یک نهضت کاملاً دینی به رهبری سنوسی ها شکل میگیرد و به تأسیس حکومت دینی و به رهبری یک عالم دینی می انجامد. این نهضت فرجام خوشی پیدا نمیکند و از سازش و همکاری با غربی ها سر در می آورد. در مصر، کودتایی میشود که اسم آن را انقلاب گذاشتند. نجیب و بعد ناصر زمام امور را دست می گیرند. ناصر علمدار مبارزه با اسرائیل میشود و بسیار هم محبوب است. ناصر میمیرد و بعد از او انور سادات روی کار می آید که درست برخلاف ناصر عمل می کند. او کسی است که با اسرائیلی ها سازش می کند، در حالی که مردم همان مردم اند اما حق قانونی برای مشارکت ندارند!

امام این تجربیات تاریخی را مد نظر داشتند. در احوال ایشان نقل شده است که بعد از دستگیری در ۱۵ خرداد ۴۲ ابتدا حق داشتن کتاب در زندان نداشتند. بعد از مدتی که حق مطالعه به ایشان داده شد، دو کتاب در خواست کردند که یک کتاب آن «تاریخ مشروطه» ی کسروی بود. امام با آسیب شناسی نهضت های دینی و نوع رهبری دینی قیام های قبلی به اینجا رسید که برای حفظ و استمرار پیروزی ها باید یک رابطه دو طرفه، مستمر و رسمی بین نظام دینی و حضور مردم تعریف شود.

مصدق جمهوریت: انتخابات

انتخابات، تحقق گفتمان مردم سالاری دینی و در واقع اجرای اصل جمهوریت نظام اسلامی است. انتخابات از اهمیت بالایی برخوردار است و حضور گسترده ی مردم در انتخابات، یک سرمایه گذاری عظیم ملت ایران است. در این قسمت این مقوله را بررسی می کنیم.

• انتخابات: تحقق مردم سالاری دینی

پس از درک اهمیت ساختار جمهوریت، باید دید که این امر چگونه محقق می شود؟ نماد تحقق آن چیست؟ مقام معظم رهبری، انتخابات را یکی از مظاهر تحقق مردم سالاری دینی می داند و در این باره فرموده اند:

«پایه ی نظام ما همین انتخابات است. یکی از پایه ها، انتخابات است. مردم سالاری دینی با حرف نمیشود؛ مردم سالاری دینی با شرکت مردم، حضور مردم، اراده ی مردم، ارتباط فکری و عقلانی و

عاطفی مردم با تحولات کشور صورت می گیرد؛ این هم جز با یک انتخابات صحیح و همگانی و مشارکت وسیع مردم ممکن نیست. این مردم‌سالاری، عامل پایداری ملت ایران است. اینکه شما توانسته‌اید در طول این سی سال از نهیب ابرقدرتها ترسید، اینکه ابرقدرتها هم غیر از نهیب نتوانستند ضربه‌ی اساسی به شما بزنند، اینکه جوانان کشور در ورود به میدانهای گوناگون این شجاعت و اخلاص را نشان می دهند، ناشی از مردم‌سالاری دینی است؛ این را باید خیلی قدر بدانیم.^{۱۳}

• اهمیت انتخابات و حضور در آن

مقام معظم رهبری از حضور در انتخابات به عنوان یک مسئله‌ی همه‌جانبه‌یاد می‌کنند و همواره بر شرکت مردم تأکید می‌ورزند. ایشان نتیجه‌ی شرکت پرشور را استحکام نظام اسلامی و پیشرفت آن می‌دانند:

«انتخابات سرمایه‌گذاری عظیم ملت ایران است؛ مثل اینکه شما سرمایه‌ی سنگین و عظیمی را در بانک می‌گذارید، بانک با آن کار می‌کند و شما از سودش استفاده می‌کنید؛ انتخابات یک چنین چیزی است. ملت ایران سرمایه‌گذاری عظیمی را می‌کند، سپرده‌گذاری بزرگی را انجام می‌دهد و سود آن را می‌برد. آراء یکایک شما مردم، سهمی است از همان سرمایه‌گذاری و سپرده‌گذاری. هر رأیی که شما در صندوق می‌اندازید، مثل این است که یک بخشی از پول آن سپرده را دارید تأمین می‌کنید. یک رأی هم اهمیت دارد. هر چه انتخابات پرشورتر باشد، عظمت ملت ایران بیشتر در چشم مخالفان و دشمنانش دیده خواهد شد؛ برای ملت ایران حرمت بیشتری خواهند گذاشت؛ دوستان شما هم در دنیا خوشحال میشوند. عظمت ملت ایران را حضور مردم در انتخابات نشان میدهد؛ انتخابات این است. بنده همواره در درجه‌ی اول در انتخابات سعیم بر این است که به مردم عرض کنم حضور شما در این انتخابات مهم است. این، تصدیق و تأیید و مستحکم کردن نظام جمهوری اسلامی است. مسئله فقط یک مسئله‌ی سیاسی و فردی و اخلاقی محض نیست؛ یک مسئله‌ی همه‌جانبه‌ی است. انتخابات با سرنوشت مردم سر و کار دارد؛ بخصوص انتخابات ریاست جمهوری که سپردن قوه‌ی اجرایی‌ی کشور به دست یک نفر و یک مجموعه است که کشور را برای مدت چند سال اداره کنند؛ اینقدر انتخابات اهمیت دارد.»^{۱۴}

• کارنامه‌ی جمهوری اسلامی در تحقق جمهوریت

نگاهی کوچک به سابقه‌ی نظام جمهوری اسلامی در مسئله‌ی جمهوریت در اینجا خالی از لطف نیست، مقام معظم رهبری در این باره فرموده اند:

«فرق است بین چنان کشورها و کشوری مثل جمهوری اسلامی ایران. هنوز دوماه از پیروزی انقلاب نگذشته بود که در دهم و یازدهم فروردین، رفراندوم عظیم جمهوری اسلامی در ایران انجام گرفت. هنوز چند ماه نگذشته بود که قانون اساسی تصویب شد و رفراندوم قانون اساسی انجام گرفت و ملت، قانون اساسی را تصویب کرد. هنوز یک سال از پیروزی انقلاب نگذشته بود که انتخابات ریاست جمهوری انجام گرفت. شما

۱۳ بیانات در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا(ع) ۱۳۸۸/۰۱/۰۱

۱۴ بیانات در جمع زائران و مجاوران حضرت امام رضا(ع) ۱۳۸۸/۰۱/۰۱

به بعضی از این کشورهای به اصطلاح سوسیالیستی، بعد از آن که دچار زلزله اخیر در کشورهای کمونیستی و سوسیالیستی شدند، نگاه کنید. اعلام کردند که می‌خواهند انتخابات راه بیندازند. بعد از سی، چهل سال، تازه می‌خواهند انتخابات ریاست جمهوری راه بیندازند! همین کشورهای به اصطلاح سوسیالیستی عرب را بنگرید؛ چه وقت در این کشورها انتخابات انجام گرفته است؟! چه وقت مردم پای صندوق رأی رفته و رأی داده‌اند؟! اینها را با جمهوری اسلامی ایران مقایسه می‌کنید که در تمام مراحل، آحاد ملت، با آرای خود حضور داشته‌اند! جمهوری اسلامی را ملت تصویب کرد. قانون اساسی را ملت تصویب کرد. مجلس شورای اسلامی، هر چهار سال یک بار، با آرای مستقیم ملت تشکیل می‌شود. رئیس جمهور، هر چهار سال یک بار، با آرای مستقیم ملت بر سر کار می‌آید. نمایندگان مردم در مجلس شورای اسلامی، اعضای هیأت دولت را تصویب می‌کنند. حتی خبرگان منتخب مردم، رأی می‌دهند و رهبر هم با آرای غیر مستقیم مردم انتخاب می‌شود. در همه جا مردم حضور دارند. نظام ما یک نظام مردمی کامل است. انقلابی را که به آرا و اراده‌های یکایک مردم متصل است، با کجا مقایسه می‌کنید؟! جمهوری اسلامی را از چه چیز می‌ترسانید؟! من به شما ملت عزیزمان عرض کنم - ملت‌های مسلمان هم بدانند - آمریکا و کشورهای غربی، تا امروز برای ضربه زدن به جمهوری اسلامی هر کار که توانسته‌اند کرده‌اند. هیچ‌کس بر سر ما منتی ندارد. ضربات خودشان را زده‌اند و جمهوری اسلامی، به فضل پروردگار چنین بالنده بر سر پا ایستاده است.»^{۱۵}

بررسی تاریخی جریان‌های مختلف در برخورد با مردم سالاری دینی در نظام اسلامی

در قسمت‌های قبل نگاهی به اهمیت و مزایای جمهوریت انداختیم. همچنین دیدگاه مقام معظم رهبری و امام (ره) را به مردم بررسی کردیم. حال در این بخش می‌خواهیم با نگاهی به دولت‌های گذشته و همچنین جریان روشنفکری، ببینیم نگاه آن‌ها به جمهوریت و مردم چگونه است.

• سابقه‌ی تاریخی برخورد جریان روشنفکری با جمهوریت و رأی مردم

می‌خواهیم ببینیم جریان روشنفکری چه دیدگاهی نسبت به مردم دارد؟ سابقه‌ی تاریخی این جریان در این باره چیست؟

وقتی به تاریخ صد سال اخیر ایران نگاه می‌کنیم، می‌بینیم جریان‌های غیر اسلام‌گرا همیشه در اقلیت مطلق بوده‌اند. جریان‌های غرب زده هیچ‌گاه نتوانستند به ساز و کارهای جمهوری در ایران تن بدهند. از زمان مشروطه تاکنون این مسئله وجود دارد. با اینکه در مشروطه، انگلیس دخالت زیادی کرد، اما به این نتیجه رسید که اگر ساز و کارهای جمهوری تثبیت شود، در نهایت، انتخاب توده‌ی مردم، آنها و مهره‌هایشان نخواهند بود.

مشروطه در کمتر از ۱۵ سال تبدیل به دیکتاتوری رضا خانی شد، یعنی هم روشنفکری داخلی و هم

قدرت مداران خارجی، با استبداد راحت تر بودند. یکی از نشانه های این موضوع، حرف های روشنفکران آن زمان در مدح رضاخان است. بعد از آن در دهه ۱۳۲۰ تا یک مقدار آزادی اندکی پیدا شد و مردم انتخاب کردند، انتخاب های مردم سمت و سویی پیدا کرد که با منافع غربی ها مخالف بود. دوباره در سال ۳۲ کودتا شد. هر جا که حضور جمهور مردم بوده، روشنفکرها به مردم خیانت کردند.

در انتخابات سال ۸۸ اوج رسوایی جریانات روشنفکری و لائیک و لیبرال در توهین به اکثریت و تنفر از رأی مردم و کمک خواستن از قدرت های خارجی برای مهار جمهوریت به نفع اقلیت می بینیم.

در انقلاب اسلامی خیلی از روشنفکران ادعا می کردند که نیازی به برگزاری رفراندوم جمهوری اسلامی نیست اما امام بلافاصله گفت: باید ساز و کارهای جمهوریته باشد، اگر این ساز و کارها نباشد اینها می توانند کاه را کوه و کوه را کاه کنند. جالب است جریاناتی مثل منافقین که در نگاه اول فکر می شد چه نفوذی دارند، وقتی انتخابات برگزار شد رأی نیاورند. مجاهدین خلق نیمی از فضای رسانه ای و تبلیغاتی کشور را در اختیار داشت و مسعود رجوی در تهران اصلاً رأی نیاورد. این یعنی ما اگر از اکثریت و از ساز و کارهای جمهوریته در یک نگاه بلند مدت دفاع کنیم، قطعاً این مطابق نظر غرب زده ها نخواهد بود. نمونه های متعدد آن در کشورهای مختلف آشکار شده است. در همین اتفاقات اخیر و در تونس، مصر و کشورهای اسلامی دیگر، یک سری جریان های غرب زده فکر می کردند با مانورهای تبلیغاتی رأی می آورند، اما اسلام گراها رأی آوردند.^{۱۶}

• دولت سازندگی و اشرافیت

همان طور که در بیانات مقام معظم رهبری دیدیم، ایشان بر روی ارتباط مناسب با مردم تأکید می ورزند و دولت ها را از خوی اشرافیت بر حذر می دارند:

«[نظام اسلامی] مردمی است، یعنی مسئولان نظام از مردم و نزدیک به مردم باشند، خوی اشرافیگری، خوی جدائی از مردم، خوی بی‌اعتنائی و تحقیر مردم در آنها نباشد. ملت ما قرنهای متمادی خوی اشرافیگری را، استبداد و دیکتاتوری را در حاکمان نابحق این کشور تجربه کرده و دوران جمهوری اسلامی دیگر نمیتواند اینجور باشد.»

ایشان در بیاناتشان به سطح زندگی مسئولان هشدار داده اند. ایشان سال ۷۰ در دیدار با مسئولان و کارگزاران می فرمایند:

«اشراف مگر چگونه بودند؟ چون آنها فقط ریششان تراشیده بود، ولی ما ریشمان را گذاشته‌ایم، همین کافی است؟! نه، ما هم مترفین می‌شویم. والله در جامعه‌ی اسلامی هم ممکن است مترف به وجود بیاید. از آیه‌ی شریفه‌ی "و اذا اردنا ان نهلك قريةً امرنا مترفיהا ففسقوا فيها" بترسیم. تُرف، فسق هم دنبال خودش می‌آورد. اندازه نگهدارید؛ دولت، مخارجش زیاد و سنگین است.»^{۱۷}

۱۶ چرا امام گفت جمهوری اسلامی، وحید جلیلی، جزوه مطالعاتی قرارگاه شهید باقری

۱۷ سخنرانی در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام جمهوری اسلامی ایران ۱۳۷۰/۵/۲۳

در ادامه ایشان با ناراحتی تصریح می کنند:

«گاهی از جاهایی گزارش های نومیدکننده ای می رسد و در برخی موارد انسان واقعاً عرق شرم بر پیشانی اش می نشیند؛ رعایت کنید. سؤال می کنیم که چرا ماشین لوکس و نو و مدل بالا؟ می گویند که اشکال امنیتی داریم! چه اشکال امنیتی؟! آقایان مسئول در شورای امنیت کشور یا جاهای دیگر، بنشینند معین کنند و مسأله را در جایی بی رند؛ من هم اگر باید دخالت کنم، بگویند در جایی دخالت کنم. این چه وضعی است که همین طور بی حساب و کتاب جلوی هر وزارتخانه و اداره ای، دهها ماشین به رنگهای گوناگون متعلق به مسؤولان آن جا به چشم می خورد؟! چه کسی چنین چیزی را گفته است؟»^{۱۸}

• دولت اصلاحات و صحبت از عدم برگزاری انتخابات مجلس هفتم

بعد از جنجال آفرینی های گسترده ی مجلس ششم و تخلفات و حرمت شکنی های متعدد نمایندگان تندروی اصلاحات، شورای نگهبان تعداد زیادی از این افراد را رد صلاحیت کرد و در مقابل، رئیس جمهور وقت به مخالفت شدید برخاست و صحبت از عدم برگزاری انتخابات مجلس هفتم را به میان کشید. مقام معظم رهبری در این باره ایستادگی می کنند و اجازه ی حتی یک روز تأخیر در برگزاری انتخابات را نمی دهند. ایشان در آن زمان فرمودند:

«راهبرد و استراتژی کلی [دشمن] این است که انتخابات اول اسفند را تخریب کنند و مانع برگزاری آن شوند که این خط مشی کلی را این روزها در قالب تاکتیک به تعویق انداختن انتخابات دنبال می کنند و با انواع تبلیغات مستقیم و غیر مستقیم و یا روشهای دیگر، به مسؤولان اجرایی کشور القا می کنند که شما نمی توانید انتخابات اول اسفند را برگزار کنید و نباید برگزار کنید، اما دولت و ملت در مقابل این توطئه می ایستند.

دشمنان با تبلیغات و روشهای مختلف سیاسی، برخی مسؤولان اجرایی را به کنار رفتن و عمل نکردن به مسئولیت های قانونی شان تشویق می کنند؛ اما همه باید متوجه باشند که برگزار شدن انتخابات حق مردم است و هیچ کس اجازه ندارد با این حق مهم مردم بازی کند.»

در ادامه رهبر معظم انقلاب برگزاری انتخابات اول اسفند راه، وظیفه ی دستگاههای دولتی خواندند و تأکید کردند:

«کسی نمی تواند به علت مخالفت با یک روش یا یک پدیده، وظایف قانونی خود را انجام ندهد و شانه خالی کردن از مسئولیت به شکل استعفا یا به هر شکل دیگر، خلاف قانون و هم حرام شرعی است.»^{۱۹}

• جریان فتنه سال ۸۸ و پیشنهاد ابطال انتخابات

همان ۱۸
بیانات در دیدار اقشار مختلف مردم (۱۳۸۲/۱۱/۱۵) ۱۹

در جریان فتنه سال ۸۸، جریان شکست خورده در انتخابات، نتیجه را تمکین نکردند. این جریان با سعی در کشاندن مردم به خیابان ها، نظام را برای ابطال انتخابات تحت فشار قرار دادند. اما مقام معظم رهبری قاطعانه در برابر این اقدامات ایستادگی کردند و جریان شکست خورده را به پیگیری از طریق راهکارهای قانونی فراخواندند. ایشان در دیدار با نمایندگان کاندیداها بعد از انتخابات فرمودند:

«در باره ی انتخابات که هی تکرار می کنید؛ اگر تمام دنیا رو به روی من بایستند که باید این انتخابات ابطال شود، من رو به تمام دنیا می ایستم و نمی گذارم که انتخابات ابطال شود. ابطال انتخابات تو دهنی به مردم است.»^{۲۰}

• دولت نهم و دهم و ارتباط با مردم

در مورد ارتباط با مردم، رهبر معظم انقلاب، تأکیدات زیادی به دولت ها کرده اند. ایشان یکی از شاخص های کاندیدای اصلح را ارتباط مناسب با مردم می دانند.

اکنون مروری بر بیانات ایشان در معرفی این شاخص و تأیید این رفتار از سوی دولت نهم و دهم می کنیم. البته این رفتار دولت های نهم و دهم در ارتباط با مردم، در دولت دهم کم رنگ تر شده و قابل تأمل است.

« تلاش دولت در جهت ارتباط با مردم، تلاش فوق العاده ی کاری که خوشبختانه در دولت مشاهده می شود؛ این ها چیزهای خوبی است. البته توجه کنید که این تلاش فراوانی که دارید انجام می دهید، با کیفیت خوب و با عمل کردن به آنچه که می گوئید، همراه باشد؛ روی این تکیه کنید. البته طبیعی است که شما می خواهید آنچه را که می گوئید، بتوانید عمل کنید - در این شکی نیست - اما روی این اهتمام داشته باشید که هر آنچه به عنوان یک وعده از شما صادر می شود، مردم در موعد معین ببینند که آن وعده تحقق پیدا کرد. اگر از صد تا کاری که شما می گوئید، نودتایش را انجام بدهید، ده تایش انجام نگیرد، همین در ذهن مردم یک اختلالی ایجاد خواهد کرد. آنچه را که آدم احتمال می دهد انجام نشود، به صورت احتمال بگوئید، به صورت قطع و یقین نگوئید. به نظر من این چیز بسیار مهمی است.»^{۲۱}

در تأیید سفرهای استانی ایشان می فرمایند:

« در رساندن خدمت به افراد محروم جامعه و عدالت، به اعتقاد این مسئله ی سفرهای استانی خیلی مهم است. این کاری که آقایان بر دوش گرفتید و راه افتادید و رفتید و همه جای کشور را زیر پا گذاشتید و با مردم تماس گرفتید و از نزدیک درد دل های مردم را - که از زبان مسئولینشان، ائمه ی جمعه شان و افراد شاخصشان گفته می شود - شنیدید، خیلی به نظر من خوب است. بنده خودم سال هاست در مسائل اجرائی و غیر اجرائی این کشور هستم؛ اما وقتی به یک منطقه ای مسافرت می کنم و برمیگردم، معلومات من نسبت به آن منطقه چند برابر معلوماتی می شود که انسان از روی کاغذ و در گزارش ها و به طور کلی می بیند. رفتن به سفر و مواجه شدن با واقعیت های زندگی مردم، خیلی چیز مهمی است. چطور ممکن

۲۰ من مدیر جلسه ام، رحیم مخدومی، ص ۲۴

۲۱ بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت (۱۳۹۱/۶/۶)

است کسی این را انکار کند یا درباره‌اش تردید کند یا در فایده و سود او تشکیک کند؟ این خیلی کار مهمی است. این کار را شماها دارید انجام می‌دهید. البته زحمت هم دارد؛ زحمتش را هم قبول می‌کنید.^{۲۲}

خاکی و مردمی بودن نیز مورد تأیید ایشان است:

«امتیاز سوم هم روحیه‌ی مردمی و خاکی این دولت است؛ این هم خیلی باارزش است؛ این را قدر بدانید. شما امتیازتان به تشخیص ظاهری و شکل و قیافه نیست؛ امتیازتان به همین است که خودتان را با مردم هم‌سطح کنید، به شکل مردم و در میان مردم باشید، با مردم تماس بگیرید، با آنها انس پیدا کنید، از آنها بشنوید. این امتیاز بزرگی است و در شما هست؛ آن را حفظ کنید و نگه دارید.»^{۲۳}

سخن پایانی

جمهوریت فرصت طلایی همیشگی برای نظام

برنامه نداشتن برای حفظ حضور منظم و قانونی مردم در صحنه و واگذاری تمام مسئولیت و اختیارات حکومت به رهبری و اتکای صرف به محبوبیت و مشروعیت دینی یا انقلابی او، فرجام‌های تلخی را برای بعضی از قیام‌های اسلامی معاصر رقم زده بود. باید مشارکت واقعی مردم در انجام تکلیف «امر به معروف و نهی از منکر» و دخالت در سرنوشت جامعه اسلامی نهادینه و تثبیت می‌شد و تضمین‌های قانونی لازم را پیدا می‌کرد تا با بالا گرفتن رقابت‌های نخبگانی خواص برای امتیازگیری از رهبری؛ ظرفیت‌های دیگری برای مقابله با زیاده‌خواهی‌های خواص و انحرافات و ترفندهایشان در اختیار رهبری باشد، و گرنه خواص اهل حق در همین انقلاب هم نشان دادند که برای منحرف کردن نظام و تغییر ماهیتش و تنها گذاشتن و زیر فشار قرار دادن رهبری استعداد و آمادگی بسیار شگرفی دارند. از همان روزهای اول نهضت، امام تجربه عمیقی نسبت به رفتارهای توده و نخبگان پیدا کرد. امام می‌دید بسیاری نخبگان عالم و فاضلی که باید علی‌القاعده حرف و آرمان امام را بهتر از دیگران می‌فهمیدند چگونه او را تنها گذاشتند و حتی به مقابله و مانع‌تراشی در راه نهضت او پرداختند و به قول شهید آیت‌الله سعیدی آن جماعت نخبگانی همه بلا استثناء (!) او را تنها گذاشتند و در همان حال توده‌هایی که شاید گاهی با نظر استخفاف به آنها نگاه می‌شد مردانه تا پای جان به میدان آمدند و از کارگران فصلی آذربایجانی در پیشوای ورامین تا طیب حاج‌رضایی در میدان بار تهران خود را فدای امام کردند.

امام زخم خنجر نخبگان و طعم شیرین خلوص و وفاداری توده‌ها و جمهور مردم را در عمق جان خود داشت و جمهوریت را تثبیت کرد تا پاسخی درخور به وفاداری اثبات‌شده این ملت که آنها را بهتر از امت اسلامی در دوره پیامبر و امیرالمؤمنین می‌دانست، داده باشد. بنابراین یک زاویه‌ی دید نسبتاً مهجور به مسأله جمهوریت؛ دیدن تباین و گاه تقابلهای نخبگانی سیاسی، فکری، رسانه‌ای و... است.

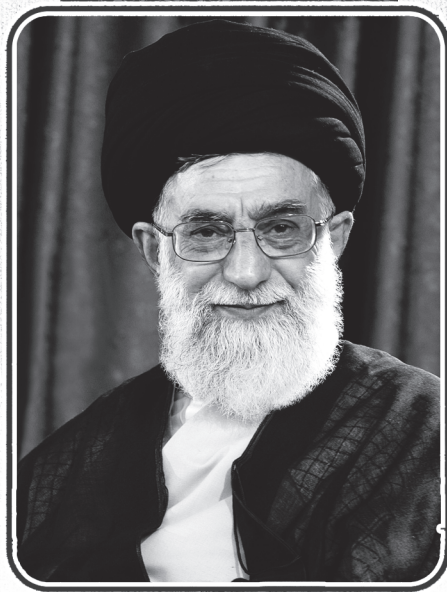
۲۲ بیانات معظم له در دیدار رئیس‌جمهور و اعضای هیأت دولت به مناسبت هفته دولت (۱۳۸۶/۰۶/۰۴)

۲۳ دیدار رئیس‌جمهوری و اعضای هیئت دولت (۱۳۸۷/۰۶/۰۲)

ماجرای فتنه ۸۸ چشم ما را به ردائل عمیق بسیاری از جریان های نخبگانی باز کرد و آمادگی شان برای تحقیر توده ها و زیر پا گذاشتن بدیهی ترین قواعد اخلاقی، منطقی و قانونی و کمین کردنشان برای خوردن حق و رأی جمهور مردم با کمک قدرت های خارجی را علی رغم همه ادعاهای گزافشان آشکار کرد و اگر قاعده ی نظام بر جمهوریت نبود، ولی فقیه که با یک لشکر کشی و همگرایی نخبگانی در خدمت بیگانه - که از قم تا تل آویو نیرو داشت - رو به رو شده بود، چه بسا تنها و بی تکیه گاه می ماند.

البته در اینجا باید نکته ای را گفت و آن این است که آنچه که خواص را دچار لطمه می کند هواها، تمایلات و مسائل غیر تخصصی آن هاست و اگر فکر کنیم که خواص از ناحیه آن ظرفیت تخصصی و ظرفیت مسلطی که با عقلانیت و تفکری که دارند، دچار اشتباه می شوند، غلط است.

یک نکته ی بسیار مهم دیگر که کمتر به آن توجه می شود و باید به عنوان یک سؤال خیلی جدی برای ما مطرح باشد، این است که: چرا آن اعتماد و خوش بینی که در امام و آقا نسبت به مردم موج می زند، در خیلی از کسانی که خود را حزب اللهی می دانیم نیست؟! اگر در کلمات و بیانات امام و رهبری جستجو کنیم، هر موقع از مردم حرف می زنند خوش بینی بسیار عمیقی در آنها وجود دارد. این خوش بینی در بسیاری از مجامع اصول گرا وجود ندارد، این سوء ظنی که به ساز و کارهای جمهوریته داریم، موجب میشود اولاً نتوانیم از ظرفیت های آن برای آرمان های خودمان درست استفاده کنیم و ثانیاً زمینه را برای جریانات سیاسی کار و باند باز فراهم میکند تا با همین نوع فضا سازی ها، نگاه اصیل و فرصت محور به جمهوریت را کنار بزنند و با یک نگاه تهدید محور به جمهوری و سوء ظن نسبت به انتخابات و مردم، آب را گل آلود کرده و ماهی خودشان را صید کنند.^{۲۴}



پایه‌ی نظام ما همین انتخابات است. یکی از پایه‌ها، انتخابات است. مردم‌سالاری دینی با حرف نمیشود؛ مردم‌سالاری دینی با شرکت مردم، حضور مردم، اراده‌ی مردم، ارتباط فکری و عقلانی و عاطفی مردم با تحولات کشور صورت می‌گیرد؛ این هم جز با یک انتخابات صحیح و همگانی و مشارکت وسیع مردم ممکن نیست. این مردم‌سالاری، عامل پایداری ملت ایران است.



پسوج دانشجویی دانشگاه شریف

Eamil:bsut@chmail.ir

تلفن تماس: ۰۲۱۶۶۰۲۲۷۱۰